

وضعیت سکونت زوجه معتده رجعیه در قرآن کریم

فاطمه کریمی^۱

رقیه سادات مؤمن^۲

چکیده

مسئله سکونت زوجه مطلقه بعد از طلاق و سرگردانی او، یکی از چالش‌های زنان در بحران فراق و جدایی است. داشتن سکنا مناسب از مهم‌ترین نیازهای اوست که این امر در قرآن کریم مورد توجه تام، بویژه در ایام «عده رجعی» است که تأمین آن به عنوان یکی از حقوق مسلم او بر عهده زوج است. از آنجا که قرآن کریم سنگ بنای قانون‌گذاری اسلام است، این پژوهش بر آن است تا رویکرد مصحف شریف را به مثابه اساسی‌ترین منبع استنباط حقوق در زمینه وضعیت سکونت زوجه مطلقه معتده رجعیه بررسی کند تا به تعمیق شناخت مشکلات این قشر از زنان در موضوع تحقیق بپردازد و به منظور سالم‌سازی جامعه و پیش‌گیری از پیامدها و آثار آن، راه حل این مشکل را از دیدگاه قرآن کریم بیابد. بدین منظور در این تحقیق مبانی، ماهیت و ضمانت اجرای این نوع سکونت از دیدگاه آیات قرآن کریم مورد شناسایی و بررسی قرار می‌گیرد. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی به این نتیجه رسیده است؛ که شیوه فعلی رایج بین زوجین در ایام عده رجعیه خلاف دستورات قرآن است؛ زیرا مبانی قرآن کریم زوجین را ملزم به سکونت مشترک در ایام عده رجعیه می‌کند و برای حسن اجرای آن نیز ضمانت‌های اجرای تعیین کرده است. زوجین نیز اجازه ندارند بر خلاف آن با یکدیگر توافق کنند؛ در صورتی سیره‌ی امروزی زوجین کاملاً با دستورات قرآن متقابل است.

واژگان کلیدی: طلاق در قرآن، سکونت مطلقه، طلاق رجعی، عده رجعیه، سکونت معتده

طرح مسأله

امروزه مسأله طلاق و جدایی زوجین و توسعه آن در زندگی مدرن از آسیب‌های جدی در جوامع کنونی برای خانواده و نیز دولت‌هاست، امر اطاله دادرسی، سرگردانی زوجه، عدم توجه به مصالح جمعی، فقدان راهبرد مشاوره مطلوب، توسعه و تعجیل بر طلاق توافقی، عدم تأملات جدی در دریافت مهارت زندگی در آیات طلاق، بنیاد خانواده و سرنوشت محتوم زنان را دچار ناامنی و سرگردانی عدیده‌ای نموده‌است که در این زمینه بایستی اقدامات اساسی از جهات مختلف صورت پذیرد. در این نوشتار اهتمام بر تبیین راهبرد قرآن در امر سکناى زوجه، بلکه توجه به این راهبرد برای تداوم زندگی زناشویی است. همچنان که در آیات طلاق به صورتی حکیمانه برآن تأکید دارد.

در نظام قانون گذاری اسلامی یکی از عوامل انحلال نکاح، طلاق است که به دو نوع رجعی و بائن تقسیم می‌شود. در «طلاق رجعی» شوهر مادامی که عده زن تمام نشده‌است، هر زمان که بخواهد می‌تواند با کمتر سخن و عملی که نشانه بازگشت باشد بازگردد و پیوند زناشویی را برقرار سازد، بدون آنکه نیاز به انشاء صیغه عقد نکاح مجدد باشد. خداوند در آیات قرآن کریم در مقابل حق رجوع برای مرد بعضی از حقوق مانند نفقه و مسکن را در ایام عده طلاق رجعی برای زن برشمرده‌است و احکام مرتبط با آن را مطرح کرده‌است. به گونه‌ای که زوج در طول ایام عده موظف به پرداخت نفقه‌ی زوجه می‌باشد و همچنین حق اخراج وی را از منزل مشترک ندارد. همچنان که زن هم حق خروج بدون دلیل را ندارد. در واقع شارع مقدس شأن مطلقه‌ی رجعیه را آنچنان بالا می‌برد که گویی اصلاً طلاقى واقع نشده‌است و نظام خانواده همچنان مستمر و پابرجاست و حکمت این امر پایداری و اصلاح زندگی زناشویی و رجعت بر کانون گرم خانواده است و در اینجا هم مثل حکم شقاق، اصل حفظ زندگی است. بلکه مذمت طلاق نیز بر همین اساس است.

قرآن کریم سنگ بنای دین اسلام بوده و همگان موظفند - بر طبق فرمایش امام

صادق علیه السلام: «فما لم یوافق فی الحدیث القرآن فهو زخرف» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۷۸) - فرع را بر اصل عرضه دارند و از صحت و سقم آن مطلع گردند و مخالف کتاب وحی را طرد کنند. بنابراین لازم است بررسی شود رویکرد قرآن کریم به وضعیت سکونت زنان مطلقه در ایام عده چگونه تبیین شده است؟ آیا با طلاق و جدایی، زوجه به یکباره رها می شود و خود باید فکر تهیه مسکن باشد؟

هرچند اصل سکونت زوجین با یکدیگر برای ایام زوجیت و نکاح است اما به دستور قرآن کریم در مواردی بعد از جدایی، همچون ایام عده طلاق رجعی این سکونت نیز باید تداوم داشته باشد که این مقاله به بررسی و تبیین مبانی، ماهیت و ضمانت اجرای سکونت زوجه مطلقه در منزل مشترک در ایام عده از دیدگاه قرآن کریم می پردازد.

چارچوب نظری

در پژوهش های پیشین، این موضوع از منظر آیات قرآن کریم مورد بررسی قرار نگرفته است و در یک قالب کلی حقوق مالی زوجه و یک قالب اختصاصی سکونت زوجه مورد تحقیق قرار گرفته است. تحقیق کوروش بشیری، علی پریمی و احمدرضا بهنیا فر با عنوان «بررسی فقهی ماهیت وجودی حقوق مالی زوجه در قرآن؛ فقه امامیه و مقایسه آن با حقوق کشور مصر»، ۱۳۹۸، فصلنامه مطالعاتی قرآنی، سال دهم، شماره ۴۰، ص ۲۵۱-۲۷۸ یکی از آن هاست که هدف مقاله حاضر بررسی فقهی ماهیت وجودی حقوق مالی زوجه در فقه امامیه و مقایسه آن با حقوق کشور مصر است.

همچنین مقاله عباس جعفری دولت آبادی با عنوان «بررسی حقوق مالی زوجه در موارد صدور حکم طلاق به درخواست زوج»، ۱۳۸۵، نشریه دادرسی، شماره ۵۷، ص ۲۸-۳۵؛ دو بخش «مبانی و مصادیق حمایت های مالی از زن حین طلاق به درخواست زوج» و «تحلیل رویه قضایی دادگاه های خانواده در این زمینه» را مورد بررسی قرار می دهد و بیان می کند ماده واحده قانون اصلاح مقررات طلاق مصوب

۱۳۷۱، مردی را که خواهان طلاق است مکلف به پرداخت حقوق مالی زن شامل اجرت المثل، نحلّه، تا نصف دارایی، نفقه و مهریه نموده است. از طرفی پیش‌بینی حقوق مالی زن حین رأی طلاق به درخواست زوج در اکثر مواقع به معنای پرداخت این حقوق به زن نیست؛ زیرا زوج می‌تواند از اجرا و ثبت طلاق منصرف گردد که نتیجه آن بلا تکلیفی زن است. رویه قضایی در مورد حقوق مالی زن در حین طلاق با تشتت و چندگانگی مواجه است و در برطرف کردن نواقص و ابهام‌های ماده واحده طلاق موفق نبوده است.

در قالب اختصاصی نیز پایان‌نامه ملیحه مهدوی، با عنوان «سکونت زوجه در منزل مشترک در ایام عده رجعیه در حقوق ایران و فقه خمسّه»، ۱۳۹۹، با بررسی ماهیت زوجیت زوجه در ایام عده نسبت به زوج بیان می‌کند.

با توجه به اینکه موضع اتخاذی توسط قانون موضوعه ایران، در حکم زوجه حقیقی بودن مطلقه رجعیه است، مطلقه رجعیه فقط دارای برخی حقوق است که از جمله آن‌ها نفقه می‌باشد. لکن به دلیل مخالف بودن رویه عملی جاری بین زوجین به ندرت، موردی پیش می‌آید که زوجین در ایام عده یکجا سکونت نمایند. حتی در نظر عرف عامه سکونت زوجین در منزل مشترک پس از اجرای صیغه طلاق امری مذموم تلقی می‌شود و در عمل، امکان اجرای این حکم وجود ندارد. سپس با بررسی اقسام طلاق به مقایسه عده نیز در کشورهای اسلامی چون مراکش، هندوستان، سوریه، مصر و عراق و کشورهای غیراسلامی می‌پردازد.

۱. مبانی قرآنی سکونت زوجین در منزل مشترک در ایام عده

خداوند در آیات متعددی از قرآن کریم به نهاد خانواده اهمیت داده است و توصیه‌ها و قوانین مهمی برگرفته از اخلاق و روانشناسی انسانی جهت حمایت از این نهاد مهم وضع کرده است و حتی در آستانه جدایی و پس از اجرای صیغه طلاق نیز برای جلوگیری از فروپاشی کانون خانواده قوانین کاربردی مهمی وضع کرده است که یکی

از مهم‌ترین آن‌ها سکونت زوجین در منزل مشترک در ایام عده رجعیه است که در این قسمت به بررسی مبانی این سکونت از دیدگاه آیات قرآن کریم می‌پردازیم. خداوند در آیات متعددی از قرآن کریم به حقوق زوجه مطلقه از جمله سکونت معتده رجعیه در زمان عده اهمیت داده است و توصیه‌ها و قوانین مهمی برگرفته از اخلاق و روانشناسی انسانی و جنسیتی جهت حمایت از او وضع کرده است که در ادامه مبانی قرآنی آن بررسی می‌شود.

۱-۱. آیه ۱ سوره طلاق

برخی از آیات قرآن کریم به لزوم سکونت زوجین در منزل مشترک در ایام عده رجعیه تصریح دارد. خداوند در آیه ۱ سوره مبارکه طلاق می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ ... لَا تَخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ...؛ ای پیامبر زمانی که خواستید زنان را طلاق دهید... آنان را (در مدتی که عده خود را می‌گذرانند) از خانه‌هایشان بیرون نکنید و آنان هم (در مدت عده) بیرون نروند مگر اینکه مرتکب عمل زشت آشکاری شوند (که در آن صورت بیرون کردنشان از خانه منع ندارد)».

در واقع خداوند وضعیت سکونت زوجه مطلقه را در ایام عده روشن می‌کند و می‌فرماید: «لَا تَخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ؛ از خانه‌هایشان بیرون نکنید و آنان هم (در مدت عده) بیرون نروند»، که در واقع بین نص و فتوا در این موضوع فرقی نیست و تفاسیر متعدد شیعه و سنی بر دلالت این آیه شریفه بر الزام زوج نسبت به تهیه مسکن برای زوجه در عده طلاق رجعی توافق دارند (تبریزی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۲۷).

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان معتقدند ظاهر عبارت «لَا تَخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ» بدل از جمله «وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ» است و خاصیت این بدل تأکید نهی در عبارت «بیرونشان نکنید» است و جمله «وَلَا يَخْرُجْنَ» نهی از بیرون رفتن خود زنان از منزل مشترک است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۵۲۵).

طبرانی از مفسرین اهل سنت نیز بیان می‌دارد، زنان مطلقه را تا قبل از انقضای مدت عده‌شان از خانه‌های خودشان که قبل از عده در آن سکونت داشتند و برای شوهرانشان بود، بیرون نکنید که سکونت در آن خانه برای زن نیز می‌باشد. (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۶، ص ۲۹۵) به عبارتی، منزل مشترک تا پایان عده برای زوجه مطلقه نیز محسوب می‌شود و شوهر نمی‌تواند در این دوران زن را از منزل مشترک که علاوه بر شوهر برای خود زن نیز می‌باشد اخراج کند.

اما منظور از ممنوعیت اخراج توسط شوهر و ممنوعیت خروج زن مطلقه چیست؟ منظور از ممنوعیت اخراج زنان این است که شوهران آن‌ها را با عصبانیت و بیزاری از زندگی مشترک یا به دلیل نیاز به مسکن بیرون نکنند. البته با اشاره به این که اجازه آن‌ها تأثیری در رفع ممنوعیت ندارد؛ و منظور از ممنوعیت خروج نیز به این معنا است که اگر بخواهند خودشان بیرون روند نیز نباید بروند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۵۴).

این حکم مخصوص مطلقه رجعیه است و به مطلقه بائنه تعمیم نمی‌یابد؛ زیرا در ذیل این آیه می‌فرماید: ... «لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا؛ ... شاید خدا پس از این رخدادی [دیگر] پدید آورد». و در آیه بعد نیز می‌فرماید: «فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ؛ پس هنگامی که به پایان عده‌شان رسیدند، آنان را به خوبی نگه دارید، (به آنان رجوع کنید) یا [اگر نخواستید] به شایستگی از آنان جدا شوید» و اختصاص این آیه برای مطلقه رجعیه صراحت دارد، زیرا اختصاص دارد به جواز نگه داشتن زن (تبریزی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۲۷). که این نگهداشتن به واسطه رجوع انجام می‌شود که در طلاق رجعی اتفاق می‌افتد و در طلاق بائن حق رجوعی وجود ندارد.

تنها استثنای این حکم آن است که «إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ»؛ زوجه مرتکب کار زشت و آشکاری شود که مراد از آن در تفاسیر متفاوت است. فاحش در لغت به معنای «زشت و قبیح» است و فاحشه کسی است که مرتکب

گناه مذموم زشت و آشکاری شده باشد. تفسیر فاحشه مینه در تفاسیر مختلف گوناگون است (تبریزی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۲۹). اما مراد از «فاحشه مینه» در میان آن‌ها متفاوت است. برای مثال صاحب تفسیر شاهی معتقد است مراد از فاحشه، «ایذاء و دشنام دادن خانواده زوج توسط زنان مطلقه» است. (حسینی جرجانی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۱۸) در تفسیر البیانی للقرآن الکریم و المأثور از امام رضا (علیه السلام) آمده است که منظور از فاحشه مینه این است که زوجه خانواده زوج را اذیت و با آن‌ها بد اخلاقی کند. (ر.ک: نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۵/الباب ۲۳ من أبواب العدد، الحدیث ۳) چنانچه از امام باقر و امام صادق (علیه السلام) نیز روایت شده است که مراد از «فاحشه» ناسزا گویی و اذیت اهل خانه توسط آن زن است (حلی سیوری، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۷۵۲).

همچنین برخی از مفسرین چون طبرانی و زمخشری از مفسران اهل سنت می گویند: زنان مطلقه بیرون نروند مگر اینکه خروجشان به واسطه معصیت باشد. یعنی مگر اینکه زنا کنند و آن زنا با شهادت چهار شاهد بر او اثبات شود پس برای اجرای حد بیرون می روند (الطبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۶، ص ۲۹۴-۲۹۵ و زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۵۵).

برخی دیگر گفته اند مراد از آن «زنا» است که برای اجرای حد بیرون برده می شود و استدلال آن‌ها بر تبادل است. اما برخی از مفسرین معتقدند دعوی تبادل زنا از فاحشه مینه خالی از وجه است. زیرا تبادل علامت وضع است در صورتی که مراد از فاحشه اعمال و رفتار قبیحه است و آن عبارت از بد رفتاری مطلقه با اهل خانه و ناراحتی خانواده شوهر از افعال او است که آن رفتارها موجب شدت عداوت و دشمنی منافی حکمت سکونت زوجه در منزل مشترک در ایام عده است (حسینی جرجانی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۱۸-۴۱۹).

در کل برآیند آن‌ها این است که فاحشه هر معصیتی از قبیل ایذاء، بد اخلاقی و دشنام دادن به خانواده زوج یا اهل خانه توسط زوجه مطلقه، خروج زن از خانه در ایام عده به غیر ضرورت، سرقت از خانه شوهر، سلیطه شدن بر شوهر، زنا و است. البته

استدلال مفسرینی که مراد از فاحشه را زنا می‌دانند بر تبادر است که در این صورت مرد می‌تواند زن را اخراج نماید.

خداوند در انتهای آیه شریفه علت این قوانین و احکام مطرح شده را بیان می‌دارد و می‌فرماید: «لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا». این قسمت از آیه شریفه اشاره به علت نهی‌های مذکور دارد و یکی از فلسفه‌های تشریع عده را می‌فرماید. ضمیر «ذَلِكَ» اشاره به طلاق رجعی دارد و مراد از «يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا»، رجوع مرد و ایجاد محبت و رغبت بعد از نفرت و کراهت سابق است؛ یعنی حکمت مقتضی آن است که مطلقات رجعیه از خانه‌های شوهران خود تا پایان عده بیرون نروند؛ زیرا محتمل است که شوهرانشان از طلاق پشیمان شوند و قصد رجعت کنند (حسینی جرجانی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۲۰؛ حلی سیوری، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۷۵۲ و طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۵۲۵) و بدین ترتیب حفظ نظام خانواده انجام شود. این امر در کافی به سند خود از وهب بن حفص از یکی از دو امام صادق و باقر (علیه السلام) نیز روایت و تأیید شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۵۳۶).

در نتیجه بر اساس نظر فقیهان آیه ظهور در حرمت دارد و بر این اساس اخراج زن از منزل مشترک در ایام عده رجعیه بر مرد حرام است مگر این که زن مرتکب فاحشه شود و در مقابل نیز خروج از منزل مشترک در این ایام نیز بر زن نیز حرام است مگر به ضرورت (حلی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۳۱ و جبعی عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۷۳).

۲-۱. آیه ۶ سوره طلاق

یکی دیگر از آیاتی که لزوم سکونت زوجه مطلقه در ایام عده را بیان می‌کند آیه ۶ سوره مبارکه طلاق است. خداوند در این آیه می‌فرماید: «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ...»؛ زنان طلاق داده را (تا پایان عده) به اندازه توانگری خود سکونت دهید و به آنان (در نفقه و مسکن) آسیب و زیان نرسانید تا زندگی را بر آنان سخت کنید (و آنان مجبور به ترک خانه شوند)...

ضمیر «هن» در «أَسْكِنُوهُنَّ» به زنان مطلقه برمی‌گردد و این معنا را سیاق تأیید می‌کند

(طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ۵۳۲).

کلمه «وجد» را هم به فتحه هم به ضمه و هم به کسره واو حکایت کرده‌اند. منظور از «من وجد کم» تمکن و مقدار توانگری زوج است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۵۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۵۴۷ و فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۹۰).

زمخشری در تفسیر خود بیان می‌دارد مرد باید با سکونت دادن زوجه مطلقه، تقوا را در شأن او که در عده است رعایت کند. سپس در توضیح کیفیت این سکونت «من» در «مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ» را «مِنْ تَبْعِيْضِهِ» می‌داند که بعضی آن حذف شده و معنای آن این است که مرد زوجه مطلقه را در ایام عده در بعضی از جایی که سکونت دارد، سکنی دهد. همچنین «مِنْ» در «مِنْ وَجَدِ كُمْ» را عطف بیان به «مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ» می‌داند به این معنا که «آن‌ها را در جایی از مسکن خود که استطاعت دارد سکنی دهد» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۵۸). تجدید نظر شود چون تبعیضه بعید است و معنای روشنی را نمی‌رساند. بلکه مراد تلاش مرد در حد توانایی در تدارک مسکن است. یعنی هرچه برای خود می‌خواهی بایستی برای او فراهم کنی. لذا معنای نزدیکتری را به ظاهر آیه تبیین نماید.

سپس خداوند با بیان «وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ» بر زوج حکم می‌کند که حق ندارید ضرری متوجه زنان مطلقه تان کنید و از نظر لباس و مسکن و نفقه آن‌ها را در مضیقه قرار دهید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۵۳۲) تا بر اثر فشار مجبور به نقل مکان و ترک نفقه شوند.

۲. ماهیت سکونت زوجه مطلقه در منزل مشترک در ایام عده از دیدگاه قرآن کریم

احکام اسلامی که مبتنی بر نص قرآن کریم است به دلیل اتصال مستقیم به منبع وحی و حکمت باری تعالی مسلم و قطعی محسوب می‌شوند و عمدتاً غیرقابل تغییر و لازم الاجرا هستند و توافق برخلاف آن‌ها جایز نمی‌باشد. عده و احکام مرتبط با آن نیز جزء دستوراتی است که در قرآن کریم مطرح و وضعیت زوجه مطلقه در این ایام مشخص

شده است. نگه داشتن عده یک دستور قرآنی و امری تعبدی است که اسلام، با هدف خاصی برای زنان پس از طلاق یا فوت شوهر، آن را قرار داده و برای آن نظام و مقررات خاصی تعریف کرده است. بنابراین اگرچه برخی از حکمت‌های عده تبیین شده است، رعایت آن حکم خداوند است و لازم است به آن متعبد بود. هرچند برخی از زوجین خواهان آن حکمت‌ها نباشند.

در رابطه با موضوع مورد بحث و لزوم سکونت معتده در منزل مشترک، چون مطلقه رجعیه در عده است و هنوز علقه زوجیت به طور کامل گسسته نشده است، آیا زن برای سکونت در غیر از منزل مشترک، بر طبق قاعده کلی، باید از زوج اجازه بگیرد و بدون اجازه و توافق با او نمی‌تواند سکونت مستقل بگزیند، یا اینکه حتی اگر زوج به او اذن خروج هم بدهد، جایز نیست مگر برای ضرورت و در نتیجه یک حکم مستقل محسوب می‌شود؟ به عبارت کلی ماهیت سکونت زوجه مطلقه در ایام عده در منزل مشترک، حق زوجین است و آن‌ها می‌توانند برخلاف آن توافق کنند یا حکم است و توافق برخلاف آن جایز نیست؟ که این امر را در قرآن کریم مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تحقیقات انجام شده تاکنون، معمولاً با دیدگاه وضعیت حقوقی زوجه مطلقه به این موضوع پرداخته اند. در رابطه با وضعیت حقوقی زوجه مطلقه در ایام عده، در میان فقهای امامیه دو نظر وجود دارد:

نظر نخست: اگر به زوجه حقیقی بودن مطلقه رجعیه قائل باشیم، حقوق و تکالیف و ترتب آثار مطابق قاعده خواهد بود و زوجه می‌تواند با توافق زوج در منزلی غیر از منزل مشترک عده خود را سپری کند.

همچنان که قاعده فقهی «المطلقة الرجعية زوجه» مبین همین امر است.

نظر دوم: در صورتی که به زوجه حکمی بودن وی قائل باشیم، وجود این حقوق و تکالیف هیچ توجیهی ندارد جز آنکه بگوییم تعبد صرف است، چرا که

مطلقه رجعیه زوجه نیست تا این آثار را داشته باشد. در نتیجه زوجه باید متعبد به احکام الهی بوده و در منزل زوج سکونت کند که این تنها در مقام نظر ختم نمی شود و در عمل نتایجی نیز دارد.

به نظر می رسد پذیرفتن نظریه دوم اقوی اشد است. زیرا؛

۱. همانطور که گفته شد تحقیقات انجام شده تاکنون، معمولاً برای تبیین ماهیت سکونت زوجه مطلقه در ایام عده با دیدگاه وضعیت حقوقی زوجه مطلقه پیش رفته اند؛ در صورتی که عبارتی که در تعریف زوجه حقیقی و همچنین تعریف مشهور زوجه حکمی بودن زوجه مطلقه مشترک است، «مطلقه رجعیه همه آثار زوجه را داراست مگر آنچه را شرع استثنا کرده است» می باشد. به بیان دیگر با توجه به اینکه خداوند در آیه ۱ سوره طلاق به صراحت با عبارت «لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ» اخراج و خروج زن از منزل زوج و منزل طلاق را منع می کند؛ و آن را با عبارت «وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ...» نهی مؤکد می کند و در واقع «وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ» تأکید احکام مذکوره است و بر مخالفت آن تهدید است (حسینی جرجانی، ۱۴۰۴ق، ۴۱۷)؛ پس توافق بر خلاف نهی الهی جایز نیست و به هر یک از نظریه های حقیقی یا حکمی بودن زوجه مطلقه قائل باشیم، به سبب استثناء و نهی مؤکد زوجین نمی توانند برخلاف سکونت مشترک در زمان عده توافق کنند. بنابراین ماهیت سکونت زوجه مطلقه در زمان عده، حکم می باشد و توافق برخلاف آن جایز نیست.

۲. در توضیح مسئله قبل به نظر می رسد با توجه به اینکه اکثر مفسرین قائل به این هستند که سوره مبارکه طلاق در مقام بیان احکام طلاق است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۲۱۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۵۴ و طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۵۲۴) بنابراین نگهداشتن عده نیز یکی از این احکام طلاق (ثلاثه قروء) و منع خروج و اخراج مطلقه و سکونت در منزل زوج در ایام عده نیز یکی دیگر از احکام طلاق و عده می باشد و از تعبیر احکام زوجیت بودن بعید به نظر می رسد. زیرا مطابق آیه ۱ سوره طلاق مرد تنها

در یک صورت می‌تواند زن را از خانه‌اش بیرون کند که مرتکب کار زشت و فاحشه شده باشد؛ اما اگر در ایام زوجیت باشد، به نظر مرد چنین حقی ندارد و در صورت ارتکاب فاحشه توسط زن، مرد یا باید او را طلاق دهد یا نزد حاکم شرع برد تا اثبات شود و او را حد زند. (درس خارج فقه کتاب النکاح آیت الله مظاهری، ۱۳۹۲/۰۷/۰۱) پس اگر چنین باشد، تعبدی بودن حکم سکونت در عده از جانب شارع اثبات می‌شود.

۳. بنابر نظر اقوی بین فقه‌ها، خارج شدن از منزل مشترک در ایام عده رجعیه، بر زن مطلقاً حرام است. همچنین به استناد اطلاق آیه ۱ سوره طلاق و روایات نیز توافق زوجین بر خلاف سکونت مشترک مؤثر نیست؛ زیرا بنابر نظر مشهور فقه‌ها براساس ظاهر آیه مذکور، سکونت مشترک ایام عده حق خداوند متعال است که نمی‌توان خلاف این حق توافق کرد و حق زوجین نیست که بتوانند به هر شکل که خواستند بر آن توافق کنند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۱، ص ۵۵۴).

۴. مفهوم آیه ۱ سوره طلاق مطلق است و خداوند خروج از منزل مشترک در ایام عده رجعیه و سکونت در منزل مستقل را مقید به اذن شوهر نکرده است. به عبارتی خداوند نفرموده است در صورت اذن شوهر، زن می‌تواند از منزل مشترک در ایام عده خارج شود و این خروج را به صورت مطلق، شوهر اذن دهد یا ندهد، نهی کرده است. بنابراین مستقل بودن این حکم از قاعده کلی خروج از منزل در ایام نکاح اثبات می‌شود. البته بعضی هم خروج در مواقع اضطرار و ضرورت را با لحاظ شرایطی جایز دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۱، ص ۵۵۴). این نهی از خروج و اخراج نوعی رعایت حال طلاق دهنده است، بخاطر دسترسی بیشتر به زن تا بتواند در مدت عده به او مراجعه کند. (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۵۸ و زحیلی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۶۷-۲۶۸)

۵. آیه ۶ سوره طلاق می‌فرماید: «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٌ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ، وَآمَرُوا بِبَيْنِكُمْ بِمَعْرُوفٍ، وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَسَتَرْضِعُ لَهُ

اُخری؛ زنان طلاق داده شده را هر جا که خودتان سکونت دارید و در توانایی شماست، سکونت دهید...» در این آیه معیار تهیه مسکن برای زوجه در ایام عده، وسع و توانایی زوج ذکر شده است «من وجدکم»، در حالی که مهم‌ترین معیار تهیه مسکن در ایام نکاح که یکی از مصادیق نفقه است این است که آن منزل در شأن و منزلت شخصی و اجتماعی زن باشد و وسع و توان مالی مرد ملاک نیست و اگر مرد مسکنی را برای زوجه تهیه کند که در شأن او نباشد و در آن منزل نتواند به خوبی و راحتی و در آرامش زندگی کند، زوجه می‌تواند از حاکم شرع به سبب عسر و حرج تقاضای طلاق کند. بنابراین تفاوت میان ماهیت سکونت در ایام عده با نکاح روشن می‌شود. البته با توجه به عبارت «وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ» واجب است در ایام عده هم مسکن، مناسب و در شأن زن باشد و برای نیازهای او کفایت کند تا ضرری که در آیه از آن نهی شده است نیز منتفی گردد (حلی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۷۰۶).

۶. خداوند در ادامه آیه به دنبال بیان این احکام به عنوان ضمانت اجرا برای خاطیان مجازات گناه قرار داده است و به عنوان تأکید می‌فرماید: «وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ؛ این حدود و مرزهای الهی است، هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویشتن ستم کرده‌است» و این نشان از آن دارد که این قوانین و مقررات الهی ضامن مصالح خود مکلفین است. مرحوم فضل بن شاذان نیز در کتاب الطلاق معتقد است این خروج و اخراج، یک حکم تعبّدی از جانب شارع مقدس است و هرگاه مطلقه رجعیه از منزل زوج خارج شود، به حدودی که خداوند تعیین کرده است تجاوز کرده و برای او گناه است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۱، ص ۵۶۳-۵۶۲).

۷. با توجه به فلسفه‌ای که روایات، فقها و مفسرین با توجه به عبارت «لَا تَذَرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا» آیه شریفه برای عده و عدم خروج زنان از خانه و اقامتگاه اصلی بیان کرده‌اند ممکن است به واسطه حضور زن در خانه خداوند بعد از کشمکش‌های بین زوجین و ایجاد وضعیت جدید وسیله اصلاحی فراهم سازد و رجوع

صورت گیرد و طلاق منتفی شود، زیرا تصمیم بر جدایی و طلاق غالباً در اثر عصبانیت‌های مقطعی و زودگذر و تصمیمات آنی تحت تأثیر آن است که با گذشت زمان و اندیشه در پایان کار ممکن است زوجین از رفتارشان پشیمان شده که با معاشرت مستمر مرد و زن در یک مدت نسبتاً طولانی (مدت عده) امکان آشتی آن‌ها راحت‌تر فراهم می‌گردد و این ممکن نیست مگر با عمل کردن به دستورهای اسلامی فوق (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۲۲۴). بنابراین اگر قائل به حق بودن سکونت در ایام عده باشیم زوجین به واسطه خشمی که از یکدیگر دارند غالباً با توافق یکدیگر جدای از هم زندگی کنند و در نتیجه باعث زائل شدن حکمت و فلسفه عده شوند و هدف شارع تأمین نخواهد شد.

از آنجا که خداوند امری را بدون حکمت و کاری را بیهوده فرمان نمی‌دهد، لذا حکم بودن این سکونت اقوا به نظر می‌رسد.

۸. از مفسرین اهل سنت نیز زمخشری بین دو نهی (لانخرجون و لا یخرجن) را جمع کرد به خاطر اینکه در صورت درخواست زنان مطلقه اجازه ندهند، دلیل بر این است که اذن مردان تأثیری بر رفع ممنوعیت خروج زنان نداشته (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۵۴) و در کتاب مسالک نیز گفته شده است که بر خلاف حق مسکنی که به واسطه نکاح برای زوجه ایجاد می‌شود، این حق در عده طلاق برای خداوند است. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۵۴ و تبریزی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۲۹)

۳. ضمانت اجرای قرآنی سکونت زوجه مطلقه در منزل مشترک در ایام عده

قوانین جهان به خودی خود، حافظ ارزش‌ها و برپاکننده نظم و عدالت در جامعه و در نهایت موجب یک جامعه سالم نخواهند بود؛ بلکه ذاتاً نهایت تأثیری که دارند، یک نصیحت و اندرز بدون ذکر دلیل هستند و برای این که ارزش اجتماعی پیدا کنند نیازمند پشتوانه‌ای قوی هستند که عمل به آن را برای افراد جامعه الزام‌آور می‌کند. به همین منظور جدای از ایجاد قانون، مسئله‌ی الزام به پابندی آن نیز امری بسیار مهم و

خطیر به حساب خواهد آمد.

با توجه به این که در جوامع دینی همیشه تشویق‌ها و مجازات‌های اخروی و در جوامع غیردینی همیشه اخلاق فطری و تربیتی، راهکار مناسبی برای جلوگیری از تخلف و گناه و جرم نیست، پیش‌بینی مجازات‌های دنیوی که در اصطلاح حقوق‌دانان «ضمانت اجرا» نامیده می‌شود، تنها چاره است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق، ص ۱۳۷) که در فقه و حقوق به معنای اجبار افراد به رعایت و عمل به دستورات الهی و قانونی است (عمید زنجانی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۶۱).

بنابراین در موضوع مورد بحث نیز اگر عمل هر یک از زوجین ناشی از خیانت، فریب، حيله، خدعه یا به طور کلی سوءنیت باشد با توجه به موضع مطرح شده، قرآن کریم جنبه تنبیهی نسبت به خاطی و جنبه حمایتی نسبت به طرف مقابل خواهد داشت (ر.ک: بقره: ۲۵۱).

به همین منظور گستره ضمانت اجرا در قرآن کریم در دو حوزه دنیا و آخرت با انواع مختلف پیش‌بینی شده است. از این رو به طور اختصار انواع ضمانت اجرا در حوزه شریعت را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم تا بتوانیم ضمانت‌های اجرای احکام و قوانین سکونت در ایام عده را به خوبی دسته‌بندی و تبیین کنیم.

به طور کلی ضمانت‌های اجرای قرآنی، شامل مجازات‌ها و تشویق‌ها هستند که در سه دسته قرار می‌گیرند:

۳-۱. مجازات‌های دنیوی

این نوع مجازات بر دو قسم است:

الف. عقابی که سنت تکوینی الهی بر آن جاری است: روش قرآن کریم نشان دادن نتیجه عملی «اطاعت» و «عصیان» است تا برای مردم قابل درک و لمس باشد. بدین منظور در بسیاری از موارد بعد از بیان دستورات عملی به وضع امت‌های پیشین که فرمان و توصیه‌های خداوند را اطاعت یا سرکشی کرده‌اند اشاره می‌کند. بدین

ترتیب در سوره طلاق نیز بعد از ذکر وظایف مردان و زنان در ایام عده طلاق رجعی به تبعیت از همین روش به عاصیان و گردن‌کشان هشدار می‌دهد: «وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُكَرًا؛ چه بسیار شهر و آبادی‌ها که اهل آن در برابر فرمان پروردگار و رسولانش طغیان و سرپیچی کردند و ما حساب آن‌ها را با دقت و شدت رسیدیم و آن‌ها را به مجازات وحشتناک و عذاب کم‌نظیری گرفتار ساختیم!» (طلاق: ۸)

منظور از قریه، محل اجتماع انسان‌ها است و در اینجا منظور اهل آن قریه‌ها می‌باشد. مصدر «عتو» نیز که فعل «عتت» از آن مشتق است، به معنای سرباز زدن از اطاعت است که قریب‌المعنا با استکبار است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۴۶). همچنین درباره کلمه «نکر» گفته است: این کلمه به معنای پیشامد بسیار دشواری است که در انظار غیر معروف و غیر معمولی باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۲۳). مرحوم طبرسی در مجمع‌البیان «نکر» را به معنای منکر و کار بسیار زشتی می‌داند که نظیرش از کسی دیده نشده باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۶۵). به معنای اینکه حساب شدید خداوند، «حِسَابًا شَدِيدًا»، عذاب شدید و کم‌سابقه‌ی او را نیز به دنبال دارد، «عَذَابًا نُكَرًا» (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۱۱۴). «حِسَابًا شَدِيدًا» نیز به معنی حساب دقیق و توأم با سخت‌گیری است و اشاره به عذاب دنیوی اقوام عصیانگر است که گروهی با زلزله‌های ویرانگر، گروهی با صاعقه، گروهی با طوفان و مانند آن ریشه‌کن شدند و درس عبرتی برای نسل‌های آینده شدند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۲۵۵).

در نتیجه شدت حساب در جمله «فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا» عبارت است از سخت‌گیری در حساب، به منظور پاداش یا کیفر تمام و دقیق دادن و مراد از این حساب، حساب دنیا است، نه حساب آخرت. به دلیل اینکه در جای دیگر می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ و اگر اهل قریه‌ها ایمان آورده و تقوی داشته

باشند، برکاتی از آسمان و زمین به رویشان می‌گشاییم، ولی تکذیب کردند و ما هم ایشان را گرفتیم به اعمالی که می‌کردند.» (اعراف: ۹۶). بعضی از مفسرین مانند «آلوسی» در «روح المعانی» گفته‌اند: مراد عذاب آخرت است و اگر با فعل ماضی «عذبنا» تعبیر کرده، از نظر تحقق و حتمیت وقوع بوده، سخن درستی نیست (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲۸، ص ۱۴۱ و طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۵۴۳). بخصوص اینکه در آیه بعد در باره عذاب قیامت بحث شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۲۵۶).

این آیات شامل بشارت، موعظه و تهدید است که بر تمسک به احکام خداوند تأکید دارد و یکی از آن احکام همان احکام طلاق و ایام عده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۵۴۲) بنابراین باید عمل به دستورات را جدی بگیریم که تخلف از فرمان خدا و رسول کیفری سخت دارد که نمونه‌های بسیاری از این کیفر را می‌توان در طول تاریخ مشاهده نمود.

پس آنچه مصیبت به انسان می‌رسد نتیجه برآیند و محاسبه اعمال خود انسان است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۵۴۳) لذا خداوند در آیه بعد می‌فرماید: «فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا؛ پس اهل قریه سنگینی امر آن سرکشی را - یعنی سنگینی عاقبت کفرشان را - چشیدند.» و مراد از آن این است که عقوبت عتو و استکبارشان به ایشان رسید و عاقبت عتو خسارت است. پس در حقیقت اطاعت را فروخته و عتو را در عوض گرفتند و سود این معامله‌شان همان خسران، یعنی زیان در دنیا و آخرت، گردید.

ب. مجازات‌های منصوص در شریعت اسلامی: خداوند اولین ضمانت اجرایی که در سوره طلاق مطرح می‌کند، اخراج زن از خانه در زمان عده، در صورت ارتکاب فاحشه توسط اوست؛ «لَا تُخْرِجُوهُنَّ ... إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَّةٍ». در حقیقت زن مطلقه با اینکه در زمان عده حق سکونت در منزل مشترک را دارد اما نمی‌تواند از این حق خود سوء استفاده کند و برای انتقام گرفتن از شوهر، خانه را تبدیل

به محیطی برای فحشا و منکر نماید (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۱۰۱). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت گنهکار بی‌حیا که حریم‌ها را شکسته، حرمت ندارد و مستحق تحقیر و مجازات است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۱۰۱).

۲-۳. مجازات‌های اخروی

اجرای این مجازات‌ها در روز قیامت و توسط خود پروردگار است. یکی از این ضمانت اجراها در باب عدم رعایت حدود و احکام سکونت معتده و قوانین آن که خداوند آن‌ها را در قرآن کریم معین کرده است - «وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ» (طلاق: ۱) - ظلم به خویشتن است که به علت رعایت نکردن حدود الهی و عمل به منهی عنه خود را در معرض عذاب الهی قرار می‌دهد (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۱۵۶). به عبارت دیگر احکام مذکور در باب طلاق و عده، اموری معین و محدود است که عمل به آن‌ها واجب و مخالفت با آن، مستحق ذم و عقاب است چراکه خداوند فرمود: «فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ» و ظلم به خویشتن ملزوم ذم و عقاب الهی است (حلی سیوری، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۷۵۲). یعنی هر کس از حدود خدا، «وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ»، - احکامی که برای طلاق تکلیف کرده‌است - تجاوز کند یعنی در ایام عده زوجین در منزل مشترک سکونت نداشته باشند و احکام مخص اخراج و خروج زن از آن منزل را رعایت نکنند، حدود الهی را رعایت نکرده و کار حرامی انجام داده اند، پس باید عقاب شوند (حسینی جرجانی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۱۹).

سپس به کیفیت عذاب اخروی آن‌ها نیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: «أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا؛ خداوند برای آن‌ها عذاب شدیدی آماده ساخته است.» عذابی شدید، خوار کننده، دردناک، وحشت‌انگیز، رسواگر و همیشگی در دوزخ برای آن‌ها فراهم است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۲۵۶). در واقع عذاب دنیا، هرچه هم شدید باشد، به اندازه چشیدنی بیش نیست. عذاب مهم در قیامت است. «عَذَابُهَا ... فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا» (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۱۰۲) و این جمله - «أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا» - از

کیفر آخرت آنان خبر می‌دهد، هم چنان که جمله «فَحَاسِبُنَّهَا حِسَاباً شَدِيداً وَ عَذَابُنَّهَا عَذَاباً نُّكْراً فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا»، از کیفر دنیایی آنان خبر می‌داد و اگر جمله مورد بحث را با واو عاطفه عطف به ما قبل ننموده، آن را از ماقبل جدا ساخت، برای این بود که این جمله در مقام پاسخ به سؤالی بود که ممکن است بعد از شنیدن «وَ كَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْراً»، پرسیده شود که منظور از خسران چیست؟ پاسخ داده‌است: فراهم کردن عذابی سخت برای آن‌هاست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۵۴۴).

۳-۳. تشویق‌ها و پاداش‌های مادی و معنوی در دنیا و آخرت

این تشویق‌ها و پاداش‌ها که به نیکوکاران وعده داده شده‌است نیز یکی دیگر از ضمانت اجرای احکام و دستورات دینی به شمار می‌آیند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ص ۸۱-۸۲).

رحمت و عقوبت خداوند متعال توأمان است. به عبارتی خداوند همانگونه که از باب عقوبتش با انسان‌ها سخن می‌گوید و آن‌ها را از سرکشی در برابر فرامین و قوانین الهی برحذر می‌دارد، از باب رحمتش که بسیار وسیع‌تر است نیز با بندگان خود سخن می‌گوید. بنابراین همانطور که با ضمانت اجرای عذاب و عقوبت و آینده تلخ به مردم انذار می‌دهد، با بشارت‌های خود نیز، نتیجه‌ی مثبت عمل و پایبندی به قوانین الهی را وعده می‌دهد.

قرآن کریم در پایبندی به قوانین طلاق و رعایت حدودی که خداوند متعال در آیات معین کرده‌است، در انتهای آیه ۲ و ابتدای آیه ۳ سوره طلاق می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ». به عبارتی هر کس تقوای الهی را پیشه کند و به معنای حقیقی کلمه پروا داشته باشد و از محرّمات و ترک واجب‌ات پرهیز کند، خداوند او را به حکم «يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً» از تنگنای وهم و زندان شرک خارج می‌کند و به حکم «وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» رزق و روزی مادی و معنوی او را از جایی که احتمالش را هم ندهد فراهم می‌کند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶،

ص ۲۳۲). ابن مردویه و بیهقی، از ابوذر روایت کرده‌اند که گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) آیه «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» را تلاوت کردند و آن قدر تکرار کردند تا چرتشان گرفت و آن‌گاه فرمودند: ای ابوذر اگر تمامی مردم به این آیه تمسک می‌کردند، خدا همه‌شان را کفایت می‌کرد (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۳۳).

همچنین خداوند در انتهای آیه ۴ سوره طلاق نیز می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْراً». در نتیجه کسی که تقوای الهی را پیشه کند و فرامین او را به جا آورد، خدای تعالی برایش آسانی قرار می‌دهد و شدايد و مشقت‌هایی که برایش پیش می‌آید را آسان می‌سازد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۳۰۷ و طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۵۳۱).

ابن ابی حاتم، از ابن عباس و او بدون واسطه از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) روایت کرده که فرمود: «هر کس دوست می‌دارد نیرومندترین مردم باشد، بر خدا توکل کند و هر کس میل دارد بی‌نیازترین مردم باشد، باید به آنچه در دست خدا دارد، اعتمادش بیشتر از آنچه در دست خود دارد بوده باشد و کسی که میل دارد محترم‌ترین مردم باشد از خدا بترسد» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۳۴).

خداوند در آیه ۵ سوره طلاق نیز می‌فرماید: «ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ ... وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْراً» و دلالتی است بر اینکه پیروی اوامر خداوند و عمل کردن به قوانین و احکامی که در این آیات بیان کرده‌است، خود مرحله‌ای از تقوی است.

در پایان آیه ۷ سوره طلاق، برای اینکه تنگی و سختی معیشت، سبب عصیان نگردد و هیچ یک زبان به شکایت نگشایند و به اندازه وسعشان نفقه زن مطلقه و کودک خود را بدهند می‌فرماید: «سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْراً» خداوند به زودی بعد از سختی‌ها، آسانی و راحتی قرار می‌دهد». یعنی مبادا مشکلات مقطعی صبر و شکیبایی شما را

لبریز کند.

«رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا» (آن وسیله تذکر)، پیامبری است که آیات روشنگر الهی را بر شما تلاوت می کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، از تاریکی ها به سوی نور بیرون آورد و کسانی که به خدا ایمان آورده و عمل شایسته انجام دهند، خداوند آنان را به باغ هایی که نهرها از زیر آنها جاری است وارد می کند و برای همیشه در آنجا جاودانه هستند. حقا که خداوند روزی آنان را نیکو ساخته است.» (طلاق: ۱۱)

تا اینکه وعده نهایی به مؤمنین و عاملین به قوانین الهی داده می شود و آن «لِّيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» است تا «وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا - الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا» نیز محقق شود و به این صورت خداوند بهترین را به او عطا می کند و این مبالغه در تعریف نعمت های بهشتی است (طبرسی، بی تا، ج ۲۵، ص ۱۱۷) و کسانی را که به خدا ایمان آورده عمل صالح انجام دهند، وعده جمیل و بشارت به بهشت می دهد.

«قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا» در این جمله احسان خدا را در آنچه روزیشان کرده ستایش می کند که منظور از «رزق»، ایمان، و عمل صالح و بهشتی است که در آخرت به ایشان می دهد. ولی بعضی از مفسرین چون مرحوم طبرسی رزق را تنها بهشت می داند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۳۱۰ و طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۵۴۶).

نتیجه‌گیری

با توجه به همه آنچه مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفت می‌توان چنین نتیجه گرفت که هرچند اصل سکونت زوجین با یکدیگر برای ایام زوجیت و نکاح است، اما خداوند در قرآن کریم به عنوان یکی از اساسی‌ترین منبع استنباط حقوق در اسلام و همچنین احادیث و آراء فقها که در این تحقیق نیز مورد توجه قرار گرفت، در مواردی بعد از جدایی، همچون ایام عده طلاق رجعی، تداوم این سکونت را ضروری و واجب می‌دانند که در این موضوع بین نص و فتوا فرقی نیست و تفاسیر متعدد شیعه و سنی بر الزام زوج و زوجه به سکونت مشترک در ایام عده توافق دارند و زوج را از اخراج زوجه از منزل مشترک نهی می‌کنند مگر اینکه زوجه مرتکب فاحشه‌مینه شود و زوجه را نیز از خروج از آن نهی می‌کنند مگر اینکه زوجه به ضرورت یا اضطرار مجبور به خروج از منزل مشترک شود. ماهیت این سکونت حکم بوده و زوجین نمی‌توانند خلاف آن توافق کنند و جهت حسن اجرای آن، ضمانت‌های اجرای دنیوی و اخروی شامل مجازات‌ها و تشویق‌هایی را بیان کرده‌است. اما این امر از جانب زوجین به درستی رعایت نمی‌شود و به فرموده قرآن کریم آثار وضعی بسیار منفی در سطح جامعه دارد که گریبان‌گیر خانواده‌ها نیز شده‌است. از این رو نیاز به اصلاح و بازنگری در این موضوع توسط قانونگذار و برنامه‌ریزان فرهنگی جامعه ضروری است. بله، درست است که سکونت مشترک زوجین در ایام عده امروزه بسیار سخت و گاهی ناممکن به نظر می‌رسد و از سبک جدایی‌های امروزه فاصله دارد اما باید توجه داشت که در قرآن کریم هیچ توصیه‌ای درباره هیچ حکمی به قدر احکام راجع به زنان تأکید نشده و این نیست مگر به خاطر اینکه دنبال این احکام و این توصیه‌ها حکمتی از جانب پروردگار است. باید عمل به دستورات الهی را جدی بگیریم که تخلف از فرمان خدا و رسول خدا آثار زیانبار فردی و اجتماعی را برای مردم عزیز ایران و جامعه اسلامی خواهد داشت که خداوند در آیه ۹ سوره مبارکه طلاق از آن به عنوان خسران در دنیا نام می‌برد.

منابع و مآخذ

* قرآن کریم.

۱. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، ۱۴۲۲ق، **زاد المسیر فی علم التفسیر**، محقق: مهدی، عبد الرزاق، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العربی.
۲. آلوسی بغدادی، محمود بن عبدالله، ۱۴۱۵ق، **روح المغانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی**، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳. تبریزی، جعفر سبحانی، ۱۴۱۴ق، **نظام الصالح فی الشریعۃ الاسلامیۃ الفراء**، چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۴. جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، ۱۴۱۰ق، **الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه**، قم: کتاب فروشی داوری.
۵. جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، ۱۴۱۶ق، **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، **وسائل الشیعه الى تحصیل مسائل الشریعه**، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البيت (علیه السلام) لإحياء التراث.
۷. حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتح بن مخدوم، ۱۴۱۴ق، **تفسیر شاهي أو آیات الأحكام**، تهران: انتشارات نوید.
۸. حلی سیوری، مقداد بن عبدالله (فاضل مقداد)، ۱۴۲۵ق، **کنز العرفان فی فقه القرآن**، ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم: نوید اسلام و کتاب عتیق.
۹. حلی، نجم الدین، ۱۴۲۸ق، **ایضاح ترددات الشرائع**، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، **المفردات فی غریب القرآن**، بیروت: دارالعلم.
۱۱. زحیلی، وهبه بن مصطفی، ۱۴۱۸ق، **الته فسر المنیر فی العقیدة والشریعة والمنهج**، چاپ دوم، بیروت، دمشق: دارالفکر المعاصر.
۱۲. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل**، چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۴۰۴ق، **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**، چاپ اول، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله مرعشی نجفی (ره).

۱۴. صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله، ۱۳۸۶، **مختصر حقوق خانواده**، تهران: نشر میزان.
۱۵. صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله، ۱۳۹۲، **مختصر حقوق خانواده**، چاپ دوازدهم، تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، ۱۴۲۳ق، **العروة الوثقی**، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴، **تفسیر المیزان**، ترجمه محمد باقر موسوی، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، ۲۰۰۸م، **التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم**، چاپ اول، اردن/ اربد: دارالکتب الثقافی.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، **مجمع البین فی تفسیر القرآن**، چاپ سوم، مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی. تهران: ناصر خسرو.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۲ق، **مکرم الأخلاق**، چاپ چهارم، قم: نشر شریف رضی.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، بی تا، **تفسیر مجمع البین**، ترجمه: حسین نوری همدانی، تهران: فراهانی.
۲۲. عمید زنجانی، عباس علی، ۱۴۲۱ق، **فتحه سیاسی**، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
۲۳. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، ۱۴۱۵ق، **تفسیر الصافی**، چاپ دوم، تهران: مکتبه الصدر.
۲۴. قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۵. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، **الجامع الأحکام القرآن**، تهران: ناصر خسرو.
۲۶. کاتویان، ناصر، ۱۳۸۸، **حقوق خانواده**، تهران: میزان.
۲۷. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، **الکافی**، قم: دارالحديث للطباعة و النشر.
۲۸. گرجی، ابوالقاسم و همکاران، ۱۳۸۴، **بررسی تطبیقی حقوق خانواده**، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۵ق، **تعزیر و گستره آن**، چاپ اول، محقق و مصحح: ابوالقاسم علیان‌نژادی، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع).
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۱، **تفسیر نمونه**، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. نجفی، محمد حسن، ۱۳۶۶، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ق، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، چاپ اول، بیروت: مؤسسه

آل البيت عليهم السلام.

سایت‌ها

<https://eshia.ir/feqh/>

